

واگذاری کنتراتی تیم به استیلی، انتخاب تعجب برانگیز کرانچار، دستیاران و بازیکنان رفتارهای عجیب و غریب فدراسیون فوتبال در قبال تیم امید



از همین حالا دخالت‌ها در کار کرانچار شروع شده است. حرف از انتخاب رضا شاه‌رودی و احمد رضا عابدزاده به عنوان دستیاران کرانچار مطرح است، مربیانی که هرگز مربیگری حرفه‌ای را در دوره‌ای طولانی تجربه نکرده‌اند و چندان برای این کار آماده به نظر نمی‌رسند

قطعا ۱۰ امتیاز دیگر هم داده، چطور می‌تواند قدرت کنترل همه چیز را داشته باشد؟ این وسط فقط برای تیم امید حسرت می‌خوریم، برای جوانانی که قرار است آینده فوتبال ایران باشند. فقط آنها هستند که این وسط قربانی تصمیمات مدیریتی غلط می‌شوند. این‌ها در حالی است که قرار بود کی‌روش سرمربی امید را برگزینند و با او هماهنگ باشد و این هماهنگی دو ثمره داشته باشد؛ اول صعود به المپیک پس از حدود نیم قرن و دوم قهرمانی تیم ملی در جام ملت‌های آسیا آن‌هم پس از حدود نیم قرن! اما حالا نه تنها این اتفاق نیفتاده بلکه شرایط به گونه‌ای رقم خورده که امیدها را به حداقل رسانده است!

انتخاب حمید استیلی به عنوان مدیر تیم امید ایران از روز اول بحث برانگیز بود. استیلی سابقه درخشانی در مربیگری نداشت اما به یکباره صاحب عنوان مدیریت در تیم امید ایران شد، تیمی که برای موفقیتش آرزوهایی با طول بیش از ۴ دهه در دل داریم. زلاتکو کرانچار اما به رغم ناموفق بودنش در سپاهان انتخاب نگران‌کننده‌ای برای تیم امید نبود، اگرچه از زاویه‌ای بتوان این انتخاب را نقد کرد. عجیب‌تر اما انتخاب دستیاران کرانچار است. در روزهای اخیر چیدمان استیلی برای تیم امید ادامه دارد و خبرهایی درباره انتخاب دستیاران کرانچار شنیده‌ایم، خبرهایی که نشان می‌دهد از همین حالا دخالت‌ها در کار کرانچار شروع شده است. حرف از انتخاب رضا شاه‌رودی و احمد رضا عابدزاده به عنوان دستیاران کرانچار مطرح است، مربیانی که هرگز مربیگری حرفه‌ای را در دوره‌ای طولانی تجربه نکرده‌اند و چندان برای این کار آماده به نظر نمی‌رسند.

چند وقت پیش کارلوس کی‌روش، سرمربی تیم ملی، درباره تیم امید حرف‌هایی زد که سبب شدن نکات تازه‌ای دستگیرمان شود. او از فوتبال حرفه‌ای گفت، از اینکه برای موفقیت هر تیمی، ابتدا باید سیستم مشخص کرد، بعد کسی را آورد که بتواند در این سیستم کار کند و به موفقیت برسد. کی‌روش تاکید داشت در فوتبال ایران همه چیز برعکس است. ابتدا سرمربی را می‌آورند و بعد یک سیستم در قد و قواره او تعریف می‌کنند! حالا اگر به وضعیت تیم امید نگاه کنید دقیقا می‌بیند چنین اتفاقی افتاده است. بدون اینکه تیم امید سیستمی داشته باشد، کرانچار را آوردند و برایش دستیار انتخاب می‌کنند! یعنی او علاقمند بود یک جا مشغول باشد و بیکار نباشد، حتی به قیمت اینکه برایش دستیار هم بیاورند!

اوضاع تیم امید آنقدر بلبشو و در هم ریخته است که به جای انتخاب افراد با توجه به توانایی فنی‌شان هنوز درگیر فرمز و آبی هستند. می‌گویند نکند فلانی را بیاوریم و استقلال‌ها ناراحت شوند پس برویم یک استقلال‌ها هم بیاوریم تا توازن رعایت شود! یعنی اصلا برایشان انتخاب آدم‌ها با توجه به سابقه فنی و توانایی‌شان اهمیتی ندارد. اصلا کجای دنیا یک مربی خارجی قبول می‌کند برایش دستیار بیاورند؟ کرانچار در واقع تن به کاری داده که مبتدی‌ترین مربیان هم به آن تن نمی‌دهند. با این وضع واقعا چه امیدی به موفقیت تیم امید است؟ آیا تاج و اعضای هیات رئیسه فدراسیون فوتبال این شرایط را نمی‌بینند و اصلا قدرت تحلیل ندارند؟ تیمی که سرمربی اش فقط برای اینکه بیکار نباشد، می‌پذیرد بیاورد و دستیارانش را برایش انتخاب کنند و

از سوی دیگر برای اینکه هواداران استقلال دلخور نشوند سراغ فرهاد مجیدی رفتند و به او هم پیشنهاد مربیگری در تیم امید را دادند. فرهاد مجیدی رسماً تایید کرده از سوی حمید استیلی به او پیشنهاد دستیاری کرانچار در تیم امید داده شده و او در حال بررسی این پیشنهاد است که در نهایت هم به این پیشنهاد پاسخ منفی داد! استیلی مدیر تیم امید است و برای تکمیل کادرفنی، دست روی چهره‌ای گذاشته بود که رسماً به دوران مربیگری خود او پایان داد! استیلی در لیگ یازدهم سرمربی پرسپولیس بود و با نتایج ضعیفی که گرفت، عملاً دیگر کارش به عنوان مربی در فوتبال ایران به پایان رسید. بدترین باخت‌های استیلی در آن سال، دو شکست وحشتناک در دربی تهران بود که در هر دو فرهاد مجیدی سیمای درخشانی داشت. مجیدی روز ۱۸ آذر ۹۰ بعد از گل سوم استقلال به پرسپولیس که توسط اسماعیل شریفات زده شد، بازوبند کاپیتانی استقلال را روی دست این بازیکن بست؛ حرکتی که خشم شدید هواداران پرسپولیس